

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.299264.212>

Nomenclature and classification in Aref Qazvini's poems based on the representation pattern of Van Livon social agents

Abstract

Discourse analysis is a method that has been developed in the context of postmodern thought. In the present study, Aref Qazvini's lyric poems have been studied and analyzed in the framework of critical discourse analysis and using the representation model of Van Leeuwen's social agents. The main issue of the research is as follows: How Aref has used the naming and classification of social actors to express his views. Based on this, first the naming and classification components in each bit were determined, then by statistical calculations and according to the frequency of the components, the amount of references was determined. In this research, using descriptive-analytical method and using library-documentary sources, the researcher has studied and read the issue of naming in the field of Aref Qazvini poems and has discussed the reasons for using these names. The results of this study show that Aref has used the most explicit components such as naming to represent social agents. Also, the methods of representation and illustration of social agents show the mystic position well.

Keywords: Critical Discourse Analysis, Van Leeuwen, Naming, Classification, Aref Qazvini.

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.299264.2120>

نام‌دهی و طبقه‌بندی در اشعار عارف قزوینی بر اساس الگوی بازنمایی کارگزاران اجتماعی ون لیوون

فاطمه فیضی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

علی صباغی (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

طاہره میرهاشمی^۳

چکیده

تحلیل گفتمان، روشی است که در بستر اندیشه‌های پست‌مدرن بسط و گسترش یافته است. در پژوهش حاضر، غزلیات عارف قزوینی در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی و با بهره‌گیری از الگوی بازنمایی کارگزاران اجتماعی ون لیوون بررسی و تحلیل شده است. مسئله اصلی تحقیق اینگونه بیان می‌شود: عارف چگونه از نام‌دهی و طبقه‌بندی کنشگران اجتماعی برای بیان دیدگاه‌های خود استفاده کرده است. بر این اساس، نخست مؤلفه‌های نام‌دهی و طبقه‌بندی در هر بیت مشخص گردید سپس با محاسبات آماری و طبق بسامد مؤلفه‌ها، میزان ارجاعات تعیین شد. پژوهشگر در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای - اسنادی، مبحث نام‌دهی را در حوزه‌ی اشعار عارف قزوینی مورد مطالعه و خوانش نموده و دلایل به‌کارگیری این نام‌ها را مورد بحث و بررسی قرار داده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد عارف برای بازنمایی کارگزاران اجتماعی از صریح‌ترین مؤلفه‌ها از جمله نام‌دهی استفاده کرده است. همچنین شیوه‌های بازنمایی و تصویرسازی کارگزاران اجتماعی موضع عارف را به‌خوبی نمایان می‌کند.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، ون لیوون، نام‌دهی، طبقه‌بندی، عارف قزوینی.

^۱ دانشجوی دکتری، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

fatemefeyzi94@gmail.com

^۲ دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

a-sabaghi@araku.ac.ir

^۳ استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

t-mirhashemi@araku.ac.ir

۱- مقدمه

گفتمان را مرادۀ کلامی، باز نمود یک‌صدا در دل یک متن (میلز، ۱۳۸۲: ۱۶) و تلازم گفته با کارکردهای اجتماعی و معنایی (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۳) دانسته‌اند. در واقع، گفتمان به ساخت یا بافت زبان در مراحل بالاتر اطلاق می‌شود؛ بنابراین، تجزیه و تحلیل گفتمانی ساخت و بافت یک متن را بررسی می‌کند.

اصطلاح «تحلیل گفتمان» برای اولین بار توسط زیگ هریس در سال ۱۹۵۲ به‌عنوان روشی برای تحلیل یک گفتار و یا نوشتار پیوسته معرفی شد. هریس به دو مقوله علاقه‌مند بود: ۱- مطالعه زبان در سطحی بالاتر از جمله و ۲- ارتباط بین رفتارهای زبانی و غیرزبانی (پالتریج، ۲۰۰۸، ۱۹).

تحلیل گفتمان انتقادی ارتباط میان کارکرد زبان و بافت‌های اجتماعی و سیاسی که زبان در بستر آن به کار می‌رود را باز می‌کاود. در این رویکرد مسائلی از قبیل جنسیت، قومیت، تفاوت‌های فرهنگی، ایدئولوژی و هویت و نیز نحوه شکل‌گیری و تجلی آنها در صورت متن مطرح می‌باشد. تحلیل گفتمان انتقادی روش‌هایی را بررسی می‌نماید که از آن طریق زبان از یک سو سبب ایجاد روابط اجتماعی می‌گردد و از سوی دیگر از طریق همین روابط شکل می‌گیرد. تحلیلگران انتقادی در وهله نخست تحلیل جامعی از بافت متن را به دست می‌دهند و در گام بعدی به تبیین و تفسیر نتایج حاصل از آن می‌پردازند. در ادامه، متون تحت بررسی را ساخت گشایی می‌کنند و آن را به چالش می‌کشانند. بدین ترتیب که با بررسی ویژگی‌های زبانی متن، ایدئولوژی‌های نهفته در متن را باز می‌کاوند، گرایش‌های خاص و پیش‌انگاری‌های ایدئولوژیکی لایه زیرین متن را تجزیه و تحلیل می‌نمایند و آن را با متون دیگر و نیز تجربیات و عقاید افراد مرتبط می‌سازند. (پالتریج، ۲۰۰۸، ۱۸۲).

تحلیل گفتمان رویکردی ساختاری است که امکان پیوند متن به جنبه‌های جامعه‌شناختی را فراهم می‌کند. متون سیاسی اجتماعی محصول بافتار پیچیده و درهم تنیده قدرت و ایدئولوژی است. واکاوی معانی آن‌ها پیوندهای پنهان ایدئولوژی سلطه را آشکار می‌کند. تحلیل گفتمان انتقادی از جمله رویکردهای نوین در تجزیه و تحلیل متن به شمار می‌رود. بسیاری از تحلیل‌گران گفتمان انتقادی به مؤلفه‌های زبان‌شناختی توجه دارند، اما «ون لیون» معتقد است که مؤلفه‌های جامعه‌شناختی معنایی شناختی عمیق‌تر از متن ارائه می‌دهند.

در تحلیل انتقادی گفتمان، رویکردهایی متفاوت مانند رویکرد جامعه‌شناختی فر کلاف، رویکرد اجتماعی - تاریخی وداک، مطالعات اجتماعی و شناختی ون‌دایک، رویکرد سیاسی - اجتماعی لاکلاو و موفه، رویکرد هاج و کرس، ون‌لیون و ... وجود دارد، اما همگی اتفاق نظر دارند «که در تحلیل متن، از توصیف زبان باید فراتر رفت تا بتوان به تبیین دست‌یافت و نشان داد که چگونه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی و نابرابری‌ها در زبان خلق و در زبان منعکس شده‌اند» (پنیکوک، ۱۳۷۸: ۱۲۸).

«به باور گفتمان‌شناسان انتقادی، هر متن متشکل از دولایه زیرین و زبرین است و وظیفه زبان‌شناس، کشف، تبیین و توجیه لایه زیرین متن است» (داوری اردکانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۵). زبان‌شناس باید تلاش کند با سازوکارهای مناسب، میان پیام نهفته در متن و نحوه بیان ارتباط برقرار کند تا چگونگی کارکردهای مهم نهفته در لایه‌های زیرین متن را در لایه‌های رویین تصویر یا بازنمایی کند (یارمحمدی، ۱۳۸۵).

ورود عارف به دایره آزادی‌خواهان و پیوستنش به جنبش مشروطه، نقطه عطف زندگی اوست. وی در این دوره با شور و شتاب و بی‌کمترین توقع، تمام داشته‌های خود را صرف پیش برد آرمان‌های انقلابی و آمال متجددانه می‌کند. با توجه به فضای کلی ادبیات مشروطه و حضور شعر در متن جامعه و محتوای اجتماعی - سیاسی شعر دوره مشروطه و اشعار عارف و مؤلفه‌های الگوی بازنمایی کارگزاران اجتماعی ون‌لیون می‌توان شعر عارف را با این الگو تحلیل و بررسی کرد.

بنابراین در این مقاله این پرسش‌ها مطرح است :

- عارف چگونه از نام‌دهی برای بیان ایدئولوژی خود بهره برده است؟
 - طبقه‌بندی در اشعار عارف تا چه اندازه در روشنگری و آگاهی‌بخشی جامعه مؤثر بوده است؟
- برای پاسخ به این پرسش‌ها از الگوی جامعه‌شناختی - معنایی ون‌لیوون (۱۹۹۶) بهره می‌بریم. این الگو چارچوبی ارائه می‌دهد تا به‌وسیله آن بتوان لایه‌های پنهان موجود در شعر را کشف و کنشگران اجتماعی و نقش آن‌ها را در جامعه واکاوی کرد. روش گردآوری اطلاعات به شیوه استقرایی از دیوان عارف و شیوه تحقیق و تحلیل داده‌ها توصیفی - تحلیلی خواهد بود.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش :

الگوی ون‌لیوون را می‌توان یکی از برجسته‌ترین الگوها در زمینه تحلیل انتقادی گفتمان به شمار آورد. در این رویکرد، تحلیل متون از سطح توصیفی به سطح تبیینی و توجیهی ارتقا می‌یابد و نیز رابطه میان جامعه، فرهنگ، قدرت، ایدئولوژی و ... بازنمایانده می‌شود. این الگو با پرداختن به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی نهفته در دل مؤلفه‌های زبان‌شناختی، به معرفی و تصویرسازی فعالان اجتماعی می‌پردازد. در گفتمان‌شناسی انتقادی، مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی بر مؤلفه‌های زبان‌شناختی ترجیح دارند؛ زیرا بین شاخص‌های زبان‌شناختی و نقش آن‌ها، همیشه رابطه صددرصد مستقیم وجود ندارد و لازم است از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی در تحلیل گفتمان بهره بگیریم. (یارمحمدی، ۱۳۸۵ : ۶۲؛ شریف و یارمحمدی، ۱۳۹۲ : ۶۹)

مطالب و متون موجود در روزنامه‌ها و مقالات، اشعار و کتاب‌ها دریچه‌ای است برای کشف حوادث و وقایع جامعه و نشان‌دهنده طرز تفکر و احساسات دانشمندان و صاحبان قلم است؛ بنابراین می‌توان با به خدمت گرفتن ادبیات و آثار هنری و ادبی و تحلیلشان با رویکرد انتقادی حوادث و وقایع جامعه را در دوره‌ای مشخص به صورت انتقادی تحلیل نمود.

عصر مشروطه، عصری همراه با افت‌وخیزهای فراوان بود. چرا که حضور شاعران و نویسندگان کمک بسزایی در آگاهی‌بخشی مردم و ثبت و ضبط وقایع آن روزگار داشت. عارف قزوینی از شعرای مشهور آن عصر است که با زبان شعر نسبت به وقایع و رخدادهای مشروطه اقدام می‌کرد و از زبان شعر به‌عنوان ابزاری جهت مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی خاندان قاجار و پهلوی استفاده و مردم را به این مبارزه دعوت می‌کرد.

روزگار عارف روزگار شکست دائمی در ارزش‌های کهن، انتخاب دائم معیارها و سرنگونی دائم معیارها بود، همه چیز می‌بایست از نو تعریف می‌شد و برای این تعریف حتی الفبایی در تاریخ کشور وجود نداشت اما ملت از شاعرش توقع‌ها داشت و شاعر همه خون و عصب خود را در یک شهود مرگ‌آور به کار می‌گماشت تا در فاصله‌ای کوتاه - فاصله یک‌عمر که آن هم در مقایسه با دیگران کوتاه بود در حد امکان معیارها را بیابد و تعریف‌ها را برای توده‌ها فراهم کند و از کسانی که توانستند این کار را به بهترین نحو انجام دهد عارف قزوینی بود. (سپانلو، ۱۳۶۹ : ۳۱)

تاکنون تحقیقات متعددی از سوی پژوهشگران با بهره‌گیری از الگوی ون‌لیوون و مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی انجام شده است که به طور اجمال به ذکر چند نمونه می‌پردازیم.

حیدری تبریزی و رزمجو (۱۳۸۴) در مقاله خود، با عنوان «شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در گفتمان فارسی: تحلیل توجیهی گفتمان با عنایت به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی» و بر اساس الگوی ون‌لیوون، متنی برگزیده از روزنامه «ایران» را تحلیل کردند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که در متون فارسی، این مؤلفه‌ها قابل بازیابی هستند و در مقایسه با تظاهرات زبان‌شناختی، تصویری روشن‌تر از متن ارائه می‌دهند.

فلاحی (۱۳۸۸) با عنایت به مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی - معنایی به بررسی «شیوه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی در نشریات دوره‌ی مشروطه از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با عنایت به مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی - معنایی» پرداخته است. نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که همه‌ی نشریات از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار استفاده کرده‌اند اما میزان بهره‌گیری از این مؤلفه‌ها و نوع آن‌ها برحسب دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی خاص گردانندگان نشریه متفاوت است. البته تفاوت‌ها چندان بالا نیست که نشانگر ایدئولوژی متفاوت باشد.

رحیمیان، جوکار، (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در اشعار سیاسی بهار از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی» با تحلیل گفتمان انتقادی اشعار بهار بر اساس الگوی ون‌لیوون به این نتیجه دست یافته‌اند که بهار برای بازنمایی فعالان سیاسی و صاحبان قدرت، از صریح‌ترین مؤلفه‌ها از جمله نام‌دهی و فردی‌سازی و همچنین دیگر مؤلفه‌های پرکاربرد همچون ارزش‌گذاری، اشتراکی‌سازی و فعال‌نمایی بهره برده است.

غلامعلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «نام‌دهی و طبقه‌بندی کنش‌گران اجتماعی در داستان آل بر اساس الگوی ون‌لیوون» این داستان را به‌عنوان گفتمانی مربوط به عشایر کشورمان در چارچوب الگوی یاد شده بررسی می‌کنند.

دولتی فرد و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان تصانیف عارف قزوینی در دوران مشروطیت بر اساس روش‌شناسی فوکو» سامان‌بخشی ناسیونالیسم در تصانیف، تغییر جایگاه شعر و موسیقی، نقد قدرت و شکل‌گیری موسیقی مبتنی بر موسیقی را مورد بررسی قرار می‌دهند.

افزون بر مقالات یاد شده پژوهش‌هایی نیز بر اشعار عارف قزوینی انجام شده است که به‌اختصار به چند نمونه اشاره می‌کنیم: محمودی، بهرامی راد (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «جامعه‌شناسی در شعر عارف قزوینی» آزادی‌خواهی، استقلال‌طلبی، مبارزه با استعمار و بیدار ساختن مردم در اشعار عارف قزوینی مورد بررسی قرار داده است.

یوسفیان دارانی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی سبکی غزلیات اجتماعی عارف قزوینی و مقایسه با شاعران هم‌دوره (لایه‌ی ایدئولوژی)» با بررسی غزلیات اجتماعی عارف، ویژگی‌های برجسته‌ی لایه‌ی ایدئولوژی غزلیات اجتماعی او را نشان می‌دهد. سبک‌شناسی غزلیات اجتماعی عارف در این مقاله، بر اساس کتاب «سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها» از محمود فتوحی انجام می‌شود.

دلاویز (۱۳۹۵) در مقاله خود «انعکاس ریشه‌های تمدن ایرانی در شعر عارف قزوینی» به این موضوع اشاره دارد که ریشه‌های فرهنگ و تمدن ایرانی را در سروده‌های عارف در زمینه‌های ایران‌دوستی، زبان، تاریخ، اساطیر و دیگر شاخصه‌ای فرهنگی مورد کندوکاو قرار دهد و این برداشت حاصل می‌شود که او به دنبال یافتن ایرانی بر اساس الگوهای وطنی بود. هر یک از این بخش‌ها اجزای مهم و سازنده‌ی ملیت و هویت هر کشوری را تشکیل می‌دهند؛ به‌گونه‌ای که با حذف هر یک، یکی از پایه‌های ملی نیز از بین خواهد رفت.

بررسی پیشینه پژوهش‌های فوق نشان می‌دهد که تاکنون اشعار عارف با الگوی بازنمایی کارگزاران اجتماعی ون‌لیوون بررسی نشده است که در مقاله حاضر به این موضوع پرداخته خواهد شد.

۳- الگوی بازنمایی کارگزاران اجتماعی در رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی ونلیوون

بازنمایی کارگزاران در تحلیل گفتمان انتقادی، به ویژه رویکرد ونلیوون (۱۹۹۶) اهمیت بسیاری دارد. این الگو یکی از رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی است که با داشتن ویژگی‌های بالقوه مورد توجه طیف وسیعی از پژوهشگران قرار گرفته است. می‌توان گفت این الگو ضمن داشتن ویژگی‌های خاص از بطن دستور نقش‌گرای هلیدی برخاسته است (خیرآبادی، ۱۳۹۵، ۳۷). زمانی که به نظر می‌رسد زبان متون، رسانه‌ها و مکالمات روزمره اطلاعات را به صورت آشکار بیان نمی‌کنند و تحت تأثیر ایدئولوژی یا ایدئولوژی‌هایی خاص قرار دارند، «تحلیل گفتمان انتقادی» وارد عرصه می‌شود و به توضیح چرایی تولید متون، در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی و اجتماعی می‌پردازد و تحلیل را از سطح توصیف متون به سطح تبیین ارتقاء می‌دهد و به لحاظ محدوده تحقیق نیز گستره تحلیل را به سطح کلان یعنی جامعه، تاریخ و ایدئولوژی وسعت می‌دهد (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶). این رویکرد، در وهله نخست بر رابطه زبان، قدرت و ایدئولوژی در متون سیاسی و رسانه‌ای تمرکز دارد؛ اما این امکان را نیز فراهم می‌کند که از دریچه این رویکرد به ادبیات شفاهی و مکتوب ملت‌ها نیز توجه کرد و دیدگاه نویسنده و معانی عمیق‌تر متن را با مراجعه به عناصر موجود در ساختار جمله‌ها تشخیص داد. تحلیلگران انتقادی گفتمان، ادبیات را همانند سایر متون تحلیل می‌کنند؛ زیرا از دیدگاه آنان تمام متون در خدمت ارتباط قرار دارند. (غلامعلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۲). الگوی ونلیوون (۱۹۹۶) که از آن با عنوان الگوی بازنمایی کنشگران اجتماعی یاد می‌شود، ابزاری است که از طریق آن پژوهشگران قادر خواهند بود تا کشف کنند که کارکردهای اجتماعی که در لایه‌های زیرین گفتمان جای گرفته‌اند، چگونه در لایه‌های زبرین بازنمایی می‌شوند و نویسنده چگونه از طریق انتخاب شیوه‌های مختلف بازنمایی کنشگران اجتماعی؛ دیدگاه‌های خود را بیان کرده است. این نظریه به بررسی دلایل و موقعیت‌هایی می‌پردازد که کنشگران اجتماعی در آن حضور فعال دارند و یا برعکس به حاشیه رانده شده‌اند.

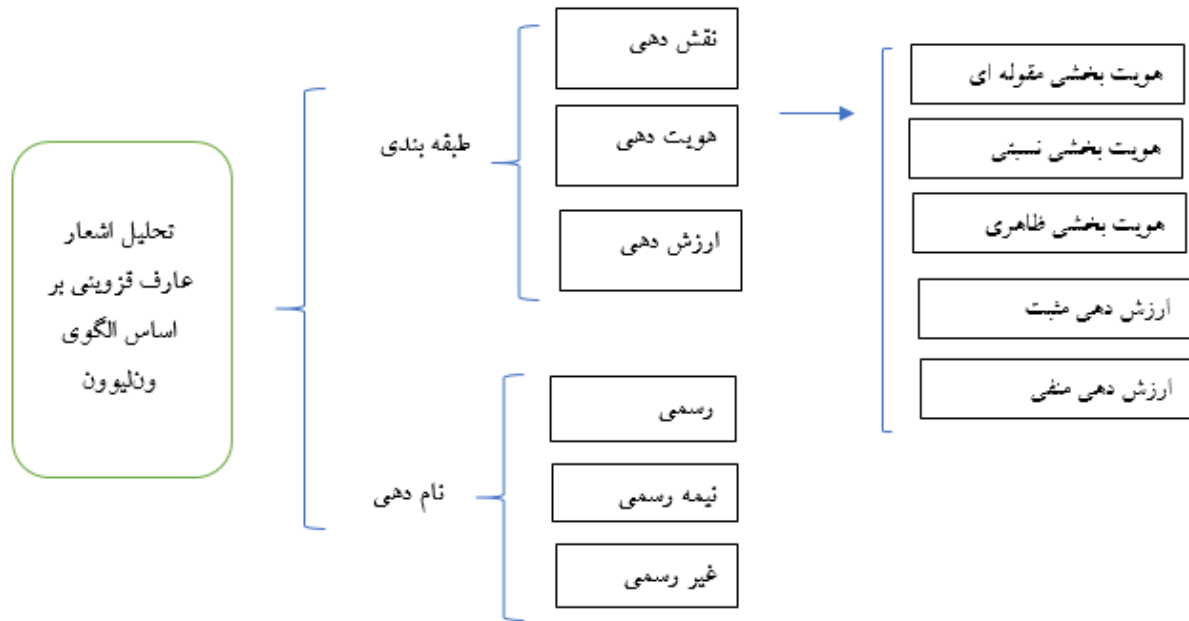
ونلیوون با بررسی متون گوناگون، به شیوه‌ای نظام‌مند، چگونگی بازتاب عواملی اجتماعی را در متن بررسی و تأثیرات آن زبان و عوامل اجتماعی را در بازنمایی کارگزاران در اثر ارزیابی می‌کند. او به بررسی دلایل و موقعیت‌هایی از متن می‌پردازد که کارگزاران اجتماعی در آن حضور فعال دارند یا برعکس به حاشیه رانده شده‌اند. او بر معانی متون تأکید نمی‌کند؛ بلکه بر شیوه‌هایی تأکید دارد که افراد برای تولید و دریافت معنا به کار می‌برند (حق‌پرست، ۱۳۹۱، ۴۸). در این رویکرد، تحلیل متن بر اساس بررسی ساختارهای گفتمان مدار انجام می‌شود. ساختارهای گفتمان مدار، نتیجه‌ای به هم آبی مؤلفه‌های گفتمان مدار هستند. مؤلفه‌های گفتمان مدار ارائه شده؛ در نظریه ونلیوون (۱۹۹۶) به دو دسته کلی صریح و پوشیده تقسیم می‌شود و هر کدام از این دو مجموعه زیربخش‌های خاص خود را دارند:

مؤلفه‌های گفتمان مدار صریح عبارت‌اند از: ۱. فعال‌سازی ۲. مشخص‌سازی ۳. تفکیک‌کردن ۴. پیوندزدن ۵. نام‌دهی ۶. عنوان‌دهی نسبتی.

مؤلفه‌های گفتمان مدار پوشیده عبارت‌اند از: ۱. حذف ۲. نوع ارجاعی ۳. منفعل‌سازی ۴. نامشخص‌سازی ۵. انتزاعی‌کردن و طبقه‌بندی (ونلیوون، ۱۹۹۶: ۱۱۰).

۴- یافته‌ها : تحلیل نام‌دهی و طبقه‌بندی اشعار عارف قزوینی بر اساس الگوی ونلیوون:

مطابق الگوی کارگزاران اجتماعی ونلیوون، در بازنمایی کارگزاران اجتماعی از مؤلفه‌های گفتمان مدار مختلفی استفاده می‌شود. از بین این مؤلفه‌ها، مقاله حاضر دو مؤلفه «نام‌دهی» و «طبقه‌بندی» را در شعر عارف بررسی خواهد کرد.



۴-۱- تحلیل نام‌دهی اشعار عارف قزوینی بر اساس الگوی ونلیوون:

نام‌دهی به بازنمایی کارگزاران اجتماعی با توجه به هویت منحصر به فرد خودشان و طبقه‌بندی به بازنمایی کارگزاران اجتماعی با توجه به هویت و نقش‌های مشابه با دیگران گفته می‌شود. زمان و شرایط کارگزاران در نام‌دهی و طبقه‌بندی از اهمیت بالایی برخوردار است. در نام‌دهی اغلب از اسامی خاص استفاده می‌شود که می‌توانند به صورت غیررسمی (فقط نام کوچک) نیمه‌رسمی (نام و نام خانوادگی) و یا رسمی (فقط نام خانوادگی) بیان شوند. از طرفی می‌توان از عنوان دهی در نام‌دهی نیز استفاده کرد. عنوان دهی می‌تواند جنبه مقام دهی (دکتر اکبری) و یا جنبه نسبت دهی (دایی جان علی) داشته باشد. کارگزاران را می‌توان بر اساس نقش و یا کاری فرهنگی یا اجتماعی که به شخص یا گروهی داده و نیز ویژگی‌های ذاتی و دائمی‌ای که هویتشان را تشکیل می‌دهد، طبقه‌بندی کرد.

۴-۱-۱- نام‌دهی رسمی

چون دور و ثوق است و قوام است از این رو با دوله و با سلطنه خواهم که نمانم

(عارف قزوینی، ۱۳۹۰: ۱۹۲)

عارف بی‌کفایتی شاهان قاجار و دخالت بیگانگان به خصوص روس و انگلیس را عامل نابسامانی امورات کشور می‌دانست و از طرفی وثوق‌الدوله را به دلیل انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ که ایران به دو بخش تقسیم می‌کرد؛ شخصیتی خیانتکار معرفی می‌کرد.

زری سوی همدان رخت بست و بارگشاد یگانه راد تقی‌زاده بزرگ نهاد

(همان، ۲۲۰)

به من کسروی گفت با انگلیس تویی ای تقی‌زاده یار و انیس

(همان، ۲۲۸)

عارف در مورد سید حسن تقی‌زاده - رهبر شاخه پارلمانی حزب دموکرات و روشنفکر و دانشمند برجسته آن عصر - تعبیر دوگانه خائن و بی وطن، آزادی‌خواه و وطن‌پرست به کار برده است. به‌طور کلی عارف به دلیل بدبینی به اطرافیان خود اعم از سیاسی و اجتماعی، شخصیتی دشمن‌تراش و مخرب از خود به جا گذاشته است که خود نیز از این موضوع گله‌مند بوده است.

به من کسروی گفت با انگلیس
تویی ای تقی‌زاده یار و انیس
(همان، ۲۲۸)

عارف از کسروی به احترام یاد می‌کند شاهد آن را در نامه‌ای که به وحید دستگردی می‌نویسد می‌توان یافت: «وقتی که همدان تشریف داشتید خواهش کردم عرض ارادت بی‌آلایش مرا به آقای کسروی تقدیم دارید، راست می‌گویم از صمیم قلب او را دوست دارم» (صفایی، ۱۳۷۳: ۴۳). کسروی نیز در سفری به همدان، از دردمندی و انزوای عارف چنین یاد می‌کند: «در همدان کارهایی می‌داشتم و این بود که سفری به آنجا کردم. عارف قزوینی که در همدان با گوشه‌گیری می‌زیست و من از همان سفر «تفتیش» او را شناختم و دوستی با هم می‌داشتیم به دیدنم آمد عارف چنانچه شیوه او می‌بود، دردها می‌گفت و آه‌ها می‌کشید و به روح کلنل [پسیان] سوگندها می‌خورد» (کسروی، ۱۳۵۸: ۵۹ - ۶۰).

بگفتم که این هست نثر بهار
که مرگ مرا دارد او انتظار
(عارف قزوینی، ۱۳۹۰: ۲۴۹)

عارف به مناسبت مراسم تاج‌گذاری احمدشاه تصنیفی سرود و از بهار تقاضای یاری داشت که سابقه دوستی عارف و بهار به این موضوع بازمی‌گردد اما پس از اتمام کار و به دلیل بدبینی عارف شک، تردید و اختلاف در رابطه ایشان نمایان شد. علاوه بر این اختلاف دیدگاه‌های سیاسی را نیز می‌توان از جمله ریشه‌های دشمنی عارف و بهار دانست. تا آن جا که در جریان کودتای سید ضیا و حمایت عارف از او و در مقابل حمایت‌های بهار از کسانی که عارف از آن‌ها متنفر بود (قوام، وثوق و مدرس) بروز می‌کند. (پور عظیمی، ۱۳۹۴)

بیار باده که ناسرخوشم، خوشم
قوام سلطنت از روزگار کیفر خویش
بیند
(عارف قزوینی: ۱۳۹۰، ۱۴۸)

من مخالف با مدرس گرچه می‌باشم، ولی
این مخالف‌خوانی‌اش بینم که بیش از حد رواست
(همان، ۸۲)

قوام که پس از سقوط سید ضیا به نخست‌وزیری رسید در پی انتقام از کلنل برآمد، عارف که کلنل را ناجی ایران می‌دانست با وی به خراسان سفر کرد؛ اما مرگ کلنل امیدهای عارف را فروریخت. عارف مدرس را مقصر اصلی به قدرت رسیدن قوام و قوام را عامل مرگ کلنل می‌دانست. از همین رو بود که مدام به مدرس طعنه زده و او را فردی خائن، فرصت‌طلب و سودجو معرفی می‌کرد.

۴-۱-۲- نام‌دهی غیررسمی

عارف، چه شد که سید ضیاء آن چه را که دل می‌کرد آرزو، نتوانست یا نکرد؟

(همان، ۱۵۲)

عارف علاقه زیادی به سید ضیا و کابینه‌ی او داشت؛ هم‌زمان با کودتای سید ضیا و به قدرت رسیدن رضاخان بسیاری از آزادی‌خواهان امید به بهبود اوضاع داشتند اما مدتی بعد با برکناری سید ضیاء و قتل افرادی همچون میرزاده عشقی به دست عوامل رضاخان نور امید در دل مشروطه خواهان به تاریکی نهاد.

دست خودی، پای اجنبی ز میان برد

مملکت اردشیر و کشور شاپور

(همان، ۱۱۰)

چو کاوه وقتی سردار نامداری داشت

در این دیار چو سیروس شهریاری بود

(همان، ۱۱۸)

بدان که مملکت داریوش و کشور جم

به دست فتنه بیگانگان نخواهد ماند

(همان، ۱۵۶)

عارف از قهرمانان اسطوره‌ای و تاریخی شاهنامه همچون اردشیر، شاپور، اسفندیار، داریوش، جم و داستان آنها برای به تصویر کشیدن عظمت ایرانیان استفاده می‌کند.

سردارهای مانده از کاوه یادگار

صف زیر بیرق و علم "شونمان" زدند

(همان، ۹۷)

عارف قهرمانان مورد علاقه مردم همانند کاوه آهنگر، فرهاد، سیاوش را به‌عنوان نمادهای عشق به میهن در مقابل استبداد و ظلم معرفی کرده و در شعرهایش به طور گسترده‌ای از آنها نام برده است (عابدی: ۶۸، ۱۳۹۱). عارف قزوینی از این موضوع آگاه بوده است که با استفاده از نام‌دهی اسطوره می‌توان عامه مردم را علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی تحریک کرد؛ چرا که عامه مردم با اسطوره و افسانه‌ها دلبستگی بیشتری داشته‌اند و از آنجاکه همکاری با هیئت حاکمه برای ایشان به آن معنی که در مورد طبقه روشنفکر و اهل فضل مصداقی داشته؛ مفهوم نیافته؛ ایشان پاسدار حقیقی اساطیر بوده‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۲۴۰).

بماند از پس سی قرن عدل مزدک، لیک

به غیر ظلم ز نوشیروان نخواهد ماند

(همان، ۱۵۶)

عارف از مزدک به‌عنوان جمهوری‌خواه و عادل در دیوانش یاد کرده و به‌نوعی خواهان رواج تفکر مزدکی در جامعه سیاسی آن زمان است که نتیجه این تفکر، جمهوریت و عدالت است.

اشرف و محمود و گروه دغا

شد بتر از میکرب مالاریا

(همان، ۱۳۰)

در برخی نوشته‌های عارف مطالبی در خصوص تشکیک در سیادت سید اشرف و ترویج خرافات توسط وی منعکس شده که در نهایت منجر به سرودن خرنامه شد که این موضوع نشان‌دهنده نگاه احساسی عارف به افراد و مسائل پیرامون خود است.

رای ریختن خون فاسد این خلق

خبر دهید که چنگیز پی خجسته کجاست

(همان، ۹۲)

عارف معتقد است که آتش ظلم در این سرزمین خاموش نشده و ظلم و تعدی از حد گذشته تا آن جا که جان را به لب رسانده‌اند

کاش نبینند به جهان هیچ عین

دوره دردآور سلطان حسین

(همان، ۱۲۴)

و ره شیون شد و افغان و شین

سلطنت نکبت سلطان حسین

(همان، ۱۲۹)

یک مرد نو، چو نادر سردارم آرزوست

تجدید عهد دوره سلطان حسین گشت

(همان، ۱۰۹)

عارف از پادشاهان ناتوانی همچون سلطان حسین صفوی که در برابر سپاه سازماندهی نشده افغان‌ها هیچ مقاومتی از خود نشان نمی‌دهد و کشور را به دست ویرانی و غارت آنها می‌سپارد و ناتوان در اداره مملکت بوده به‌سختی انتقاد می‌کند

نابود باد ظلم چو ضحاک ماردوش

تا بود و هست کاوه حداد زنده‌باد (همان، ۷۲)

به‌زور بازوی جمهور بود کز ضحاک

گرفت داد دل خلق، کاوه حداد

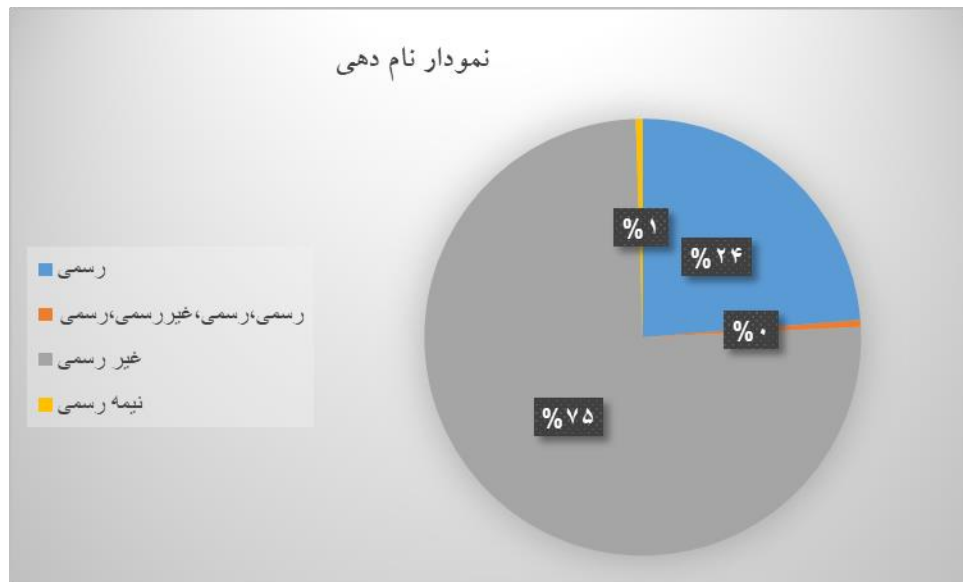
(همان: ۲۰۰)

عارف در غزل‌های جمهوری رضاخان را به کاوه و پادشاهان قاجار را به ضحاک تشبیه نموده و امیدوار بود که با روی کار آمدن سردار سپه بساط قاجار برچیده شده و ایرانیان عید پیروزی برپا کنند. «درایت دوره روشنفکران خسته از فضای هرج‌ومرج، و ناکام در دستیابی به اهداف مشروطه، بر اساس سنت ریشه‌دار قهرمانخواهی و منجی‌گرایی ساری و جاری در ذهن و مرام ایرانیان، یکسره به دنبال قهرمان و منجی می‌گشتند که این بار مصداق آن را در سیمای رضاخان یافتند. در این مقطع تاریخی، روشنفکران ایرانی نه‌تنها به ایدئولوژی تجددگرای ناسیونالیسم متمرکز مذهب‌زدایی رضاشاهی ناهمسازی نکردند، بلکه خود در استقرار و توسعه چنین ایدئولوژی‌ای نقش مهمی ایفا کردند و در حقیقت خود ایدئولوگ‌های چنین جریانی بودند.» (گودرزی، ۱۳۸۶: ۹۷)

به‌منظور تحلیل دقیق‌تر، دیوان اشعار عارف قزوینی را مورد بررسی قرار داده که ۴۶۹ بیت از اشعار وی به حوزه‌ی نام‌دهی و طبقه‌بندی اختصاص یافته است. در مرحله بعد ۱۹۸ بیت با موضوع نام‌دهی تفکیک و به شرح ذیل مورد بررسی قرار گرفت ۱۴۹ بیت از اشعار عارف معادل ۷۵ درصد به شیوه نام‌دهی غیررسمی بیان شده که در این خصوص می‌توان گفت عارف دارای شخصیتی هیجانی، به شدت زودباور و از طرفی دارای صداقت است. شرایط سیاسی عصر مشروطه و هیجان حاکم بر جامعه در تغییرات سیاسی و اجتماعی کشور، شاعر را ترغیب می‌کند که با استفاده از زبان عامه مردم اعتراض خود را در غالب شعر، صریح و بی‌پروا بیان کرده که بی شک با استقبال جامعه مواجه می‌شود.

جدول ۱: دسته بندی ابیات با عنوان نام دهی

شرح	تعداد
رسمی، غیررسمی، رسمی، غیررسمی	۱
نیمه رسمی	۱
رسمی	۴۷
غیر رسمی	۱۴۹
جمع	۱۹۸



نمودار ۱: تحلیل نام دهی اشعار عارف قزوینی بر اساس الگوی ونلیوون

۴-۲- تحلیل طبقه بندی اشعار عارف قزوینی بر اساس الگوی ونلیوون:

۴-۲-۱- نقش دهی

باد سردار سپه زنده در ایران عارف

کشور روبه فنا را به بقا خواهد برد

(عارف قزوینی، ۱۳۹۰: ۲۰۱)

دوش دیدم شنل انداخته سردار به دوش

همچو افعی زده می بیچم از اندیشه دوش

(همان، ۲۱۱)

شروع دوره عارف با روی کار آمدن رضاخان و افول قاجار گره خورده است. او که در ابتدا از آمدن سردار سپه خوشحال شده و در طبل تعریف و تمجید از وی می کوبد و در هر موقعیتی از وی سخن می راند و سردار سپه را ناجی ایران معرفی می کند اما پس از گذشت مدتی و بروز خفقان سیاسی توسط رضاخان، نسبت به وی دلسرد شد و در مذمت رضاخان شعر می سراید. بررسی اشعار عارف نشان می دهد که وی هیچ اطلاعی از مسائل سیاسی و اقتصادی کشور نداشته و صرفاً احساسات و عاطفه خالص است.

که گفتت شها حمله ور شو به مجلس تو با توپ و یکسانش با خاک ره کن؟

که گفتت بیا خلق در خاک و خون کش که گفتت شها روز خود را سیه کن؟
(همان، ۶۸)

لیاخوف روسی به فرمان محمدعلی شاه مجلس را به توپ بست، با این کار مردم و آزادی خواهان به دلیل ویرانی مهم ترین رکن مشروطیت از داشتن حکومت مشروطه ناامید شدند. عارف نیز در غزلی این کار محمدعلی شاه را نقد می کند.

نه فاسق است در ایران ریاست وزرا که او به تجربه سرمشق از زنان گیرد
گر پر شود ایران همه از حضرت اشرف یک بی شرفی مثل رئیس الوزرا نیست

(همان، ۱۶۵)

کان وکیل و وزیر اجنبی اند هیچ یک اهل این دیار نی اند

(همان، ۲۷۳)

برخی نمایندگان و وزرا در کشور، عامل ایجاد قراردادهایی شدند که منافع ملی کشور را به بیگانگان تقدیم می کرد و این موضوع باعث انتقاد شدید مردم گردید. عارف نیز در برخی از غزل های خود، برخی وزرا و کابینه آنها را نقد و ایشان را عامل تحکیم استبداد می داند.

۴-۲-۲- هویت دهی

کارگزاران گاهی بر اساس ویژگی های ذاتی و دائمی خود طبقه بندی شده و هویتی خاص به آنها داده می شود. هویت دهی به سه گونه هویت بخشی مقوله ای، نسبتی و ظاهری تقسیم می شود. در هویت بخشی مقوله ای کارگزاران بر اساس قراردادهای طبیعی، فرهنگی و تاریخی مانند نژاد، قومیت، جنس، مذهب، حرفه، طبقه اجتماعی تعریف شده؛ در هویت بخشی نسبتی کارگزاران برحسب روابط خویشاوندی، دوستی، شغلی مانند و در هویت بخشی ظاهری کارگزاران برحسب ویژگی های ظاهر، اندام و ... بازنمایی می شوند. (یارمحمدی، ۱۳۸۵).

تو عدل و داد ز نسل قجر مدار امید که از نژاد ستم دادگر نمی آید
(همان، ۸۷)

چه کرد عشق تو عاجز ز گفتنم آن کرد به من که دوره شوم قجر به ایران کرد
(همان، ۱۷۶)

عارف در غزل‌هایش، از خاندان و شاهان دوره قاجار انتقاد می‌کند، آنان را موجب ویرانی وطن می‌داند و اشاره می‌کند از این خاندان نباید توقع عدالت داشت، او آرزوی نابودی این خاندان و شاهانش را دارد.

۴-۲-۳- هویت‌بخشی مقوله‌ای

بود به فخر و شرف زنده زین جهت به جهان

همیشه زنده بماناد نام ایرانی

(همان، ۲۲۳)

سپس، شد چو قوم عرب حمله‌ور

شد این شهر، ویران و زیر و زبر

(همان، ۲۷۰)

عارف قزوینی توجه ویژه‌ای به شاخصه‌ها و عناصر هویت‌بخشی ایرانی داشته و علی‌رغم دگرگونی‌های به وجود آمده در عناصر هویت‌بخش ایرانیان در عصر مشروطه، ارزش‌های ملی جایگاه خویش را در هویت‌بخشی به ایرانیان حفظ نموده است. هویت‌دهی نسبتی

امیدم آن که طرف نیندد به زندگی

هر ناخلف پسر که نشان از پدر نداشت

(همان، ۲۵۲)

"ارنی" گویان مشتاق توام، رخ بنما

لن ترانی "نگو عارف پسر عمران نیست

(همان، ۷۳)

۴-۲-۴- ارزش‌دهی

در ارزش‌دهی، طبقه‌بندی کنشگران اجتماعی بر اساس ارزش‌های فرهنگی یا اجتماعی است که به آن‌ها داده می‌شود. این ارزش‌ها مثبت و یا منفی است و کنشگران با آنها سنجیده می‌شوند. این ارزش‌ها شناورند و بسته به دیدگاه و نوع زاویه دید جامعه نسبت به کنشگران، تغییر می‌کنند؛ به‌عنوان مثال، کشته‌شدگان در جنگ میان دو گروه در دودسته «شهید» یا «به درک واصل شده» دسته‌بندی می‌شوند که نوعی طبقه‌بندی کنشگران اجتماعی بر اساس ارزش‌های فرهنگی محسوب می‌شود. به اعتقاد ون‌لیوون، استفاده از اصطلاحات و صفات مثبت و منفی برای ارزش‌گذاری کنشگران باعث جهت‌دهی به دیدگاه جامعه درباره قشری خاص می‌گردد. (غلامعلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶)

ارزش‌گذاری منفی

موفق نخواهی شد ای بدسگال

که بر گردنت هست خون "جمال

" (همان، ۷۸)

مجلس ننگین، وکیل خائن و قاتل

دولت و کابینه لکه‌دار، علی جان

(همان، ۱۷۲)

نه آزاده‌یی تو نه میهن‌پرست

تویی اجنبی خواه و بدجنس و پست

(همان، ۲۲۹)

یک چنین داغ خورده داغ باطله نیست

خرتر از این وزیر داخله نیست

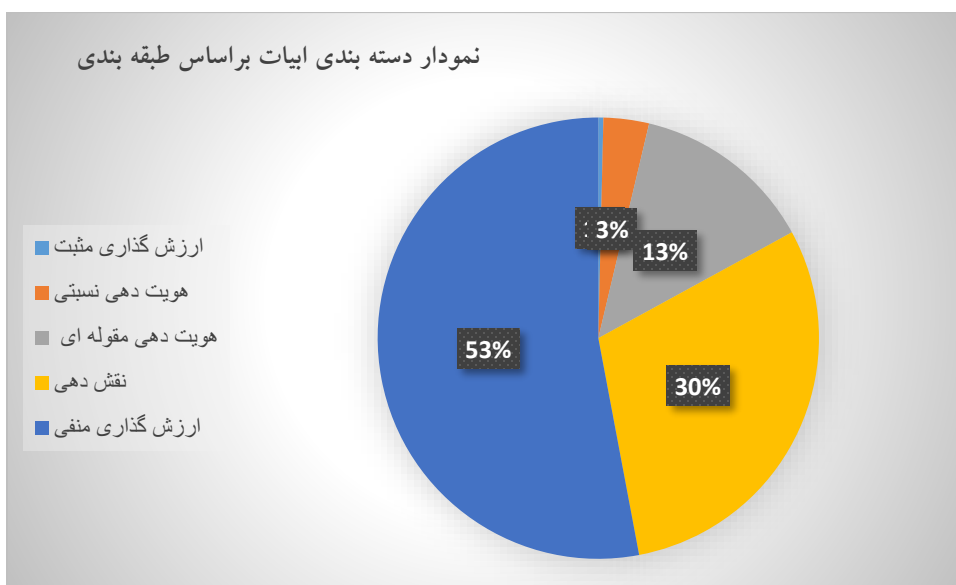
(همان، ۱۵۹)

عارف قزوینی شاعری غمگین و افسرده و خشمگین و بدبین بود. خشم و ناشکیبایی عارف در مثنوی خرنامه به صورت ناسزاگویی به بزرگ و کوچک، خواص و عوام ظاهر می‌شود. شعر به بهانه فحش دادن به سید اشرف‌الدین گیلانی و روزنامه‌اش نسیم شمال شروع می‌شود و به سرعت به عالم و آدم گسترش می‌یابد.

جدول ۲: دسته بندی ادبیات بر اساس طبقه بندی

موضوع	تعداد
ارزش گذاری مثبت	۱
هویت دهی نسبتی	۹
هویت دهی مقوله ای	۳۶
نقش دهی	۸۱
ارزش گذاری منفی	۱۴۳
جمع	۲۷۰

نمودار دسته بندی ابیات بر اساس طبقه بندی



نمودار ۲: دسته بندی ادبیات بر اساس طبقه بندی

با بررسی اشعار عارف به خوبی می توان دریافت که وی به دلیل داشتن روحیه انقلابی و میهن پرستی که در نتیجه فضای ملتهب عصر مشروطه است با بدبینی، رفتار احساساتی و ناپایداری، شخصیتی پرخاشگر و دشمن تراش از خود نشان داده تا جایی که او تمامی اطرافیان خود اعم از سیاستمداران و طبقه اجتماعی را دشمن مسلم خود می داند و کمتر کسی از زبان تند وی در امان مانده است. به عنوان مثال اگرچه به شدت از رفتار سیاسی بهار انتقاد می کند، به شخصیت علمی او احترام می گذاشت. نگاهی به جدول و نمودار شماره ۲ گواه این موضوع است که به دلیل وجود چنین شرایطی ارزش گذاری منفی جایگاه قابل تأملی در اشعار عارف داشته است. به بیان دیگر همان گونه که در جدول و نمودار شماره ۱ توضیح داده شد، بر اساس دامنه ابیات استخراج شده تعداد ۲۷۰ بیت از اشعار عارف به حوزه طبقه بندی مربوط شده و از این تعداد ۱۴۳ بیت به موضوع ارزش گذاری منفی اختصاص یافته است

تأملی در نامه ها و نوشته های پراکنده عارف قزوینی و رفتار او با اطرافیان و تعدادی از شاخص ترین افراد آن روزگار به خوبی شخصیت «شاعر ملی ایران» را ترسیم می کند و پاره هایی از اسباب تنهایی، سرخوردگی و انزوای او را نمایان می سازد. روحیه انقلابی و شور میهن پرستانه عارف که زاده فضای ملتهب عصر مشروطه و اقتضات سیاسی و اجتماعی است، وقتی با بدبینی، خوی عصبی، رفتار احساساتی و تزلزل عقیده عارف جمع می آید، شخصیتی پرخاشگر و دشمن تراش را شکل می دهد؛ تا جایی که او تمام طبقات سیاسی و اجتماعی را دشمن مسلم خویش می پندارد؛ البته این نوع رفتارها تابع شرایط بحرانی آن روزگار نیز است و منحصر به عارف نیست؛ چنانکه این نزاعها در کارنامه بسیاری از ادیبان و شاعران عصر مشروطه دیده میشود؛ اما عارف در این حوزه سرآمد است و کمتر کسی از انتقادهای بسیار تند او در امان مانده. این رفتار عصیانگرانه عارف که با گذشت زمان شدت می گرفت، اگرچه با سادگی و صداقت بسیار همراه بود، اندک اندک اطراف او را از حضور دوستان تهی کرد و بسیاری را نیز با او دشمن ساخت؛ تا آنجا که دهه پایانی زندگی را در تلخی و تنهایی گذراند.

۵- جمع بندی و نتیجه گیری

ساختارهای گفتمان مدار بازتاب عقاید، برداشتها و ارزش های جاری در تمام یا بخشی از یک جامعه است. این ساختارها نقشی اساسی در طرح، بیان و بازساخت منظور و اراده نهفته در پس متن دارند که ریشه در دیدگاه اجتماعی - فرهنگی مؤلف، مترجم، گوینده، یا سراینده متن دارد.

شعر عارف دارای روحی انتقادی است که باعث بررسی اشعار از زاویه دید انتقادی می شود. عارف وقایعی چون انقلاب مشروطه، کودتای ۱۲۹۹، دخالت روس و انگلیس در ایران، دوران رضاخان و ... را در زندگی خود تجربه کرده و به شهرهای مختلفی چون تهران، همدان، مشهد، اراک و ... سفر کرده و طعم تلخ تنهایی را چشیده است.

در این مقاله نویسنده به دنبال چگونگی استفاده از مؤلفه های نام دهی و طبقه بندی در اشعار عارف بر اساس الگوی بازنمایی کارگزاران اجتماعی ونلیوون به منظور کشف ایدئولوژی و میزان روشننگری این اشعار بوده است. بررسی ها نشان می دهد که عارف افکارش را صریح و بی پرده بیان کرده و از اوضاع نابسامان جامعه خود به شدت انتقاد می کند فارغ از اینکه شاید جو عمومی جامعه خلاف نظر او حرکت کند. او بدون خستگی به راه خود که هدفش بیداری مردم و رهایی از وضع اسفناک موجود است ادامه می دهد.

عارف دارای روحیه انقلابی بالا و میهن پرستی واقعی است اما ویژگی های منفی اخلاقی وی همچون عصبی و پرخاشگری اش که آمیخته با صداقتی بالاست وی را در مقابل دوستان خود قرار داده و موجبات انزوا و مردمی گریزی اش را فراهم می کند تا جایی که همگان را دشمن خود می پندارد.

مطالعه اشعار عارف خواننده را به این نکته متوجه می‌سازد که فضای متشجج و بسته آن روزگار مانع تلاش وی به منظور دستیابی به هدف خود که همان آگاهی مردم و ترغیب ایشان به برقراری عدالت و آزادی با سلاح قلم و شعرش نشد. گواه این موضوع بسامد پرشمار نام‌دهی، نقش دهی، و ارزش‌گذاری منفی است که بر اساس الگوی ونلیوون نام‌دهی به‌عنوان مؤلفه‌ی صریح و طبقه بندی به عنوان مؤلفه پوشیده از جمله روش‌های تصویرسازی کارگزار اجتماعی است.

منابع:

- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۶). «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات. مجله ادب پژوهی». شماره اول ۲۷-۱۷.
- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۶). «تحلیل گفتمان انتقادی. تهران»: علمی و فرهنگی.
- اسدی، مسعود و همکاران (۱۳۹۴). «مؤلفه‌های زبان‌شناختی و جامعه‌شناختی - معنایی و بازنمایی کنشگران اجتماعی در متون مطبوعاتی». جستارهای زبانی. دوره هفتم. شماره ۲ (پیاپی ۳۳): ۲۴-۱.
- پنیکوک، الستر (۱۳۷۸) «گفتمان‌های قیاس‌ناپذیر». ترجمه سید علی اصغر سلطانیه. علوم سیاسی. سال اول، شماره ۱۱۸: ۴-۱۵۷.
- پالتریج، برایان (۲۰۰۸) «درآمدی بر تحلیل گفتمان انتقادی» ترجمه طاهره همتی (۱۳۹۶). چاپ اول
- پور عظیمی، سعید. (۱۳۹۴). «دلایل انزوای عارف قزوینی بر اساس مناسبات او با معاصرانش» فصلنامه تخصصی نقد ادبی. س ۸ ش ۲۹ بهار ۱۳۹۴ (صص ۱۱۷-۱۱۷).
- جوکار، سمیه و جلال رحیمیان. (۱۳۹۳). «تصویرسازی کنشگران اجتماعی در اشعار سیاسی ملک‌الشعرا بهار از منظر گفتمان‌شناسی انتقاد». شعر پژوهی. ش ۲. صص ۱۱۱-۱۳۴.
- حق‌پرست، لیللا. (۱۳۹۱). «شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در داستان بهمن از شاهنامه و بهمن‌نامه (بر اساس مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی در تحلیل گفتمان)» فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، شماره ۲، صص ۶۲-۴۵
- خیرآبادی، رضا (۱۳۹۵). «تحلیل گفتمان انتقادی شیوه نام‌گزینی و حضور یا عدم حضور ایران در مطالب نشریه آمریکایی تایم از دهه ۱۹۲۰» دو ماهنامه جستار زبان‌شناسی ۲ (پیاپی ۳۰). خرداد و تیر ۱۳۹۵: صص ۴۷-۳۳
- داوری اردکانی، رضا؛ نیلی‌پور، رضا؛ قایمی نیا، علیرضا؛ جاج، آنتونی و یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۹۱). زبان استعاره‌ای و استعاره‌های مفهومی. تهران: هرمس
- دلاویز، مسعود (۱۳۹۵) «انعکاس ریشه‌های تمدن ایرانی در شعر عارف قزوینی» پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، شماره ۳ (پی در پی ۲۴)، تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۵۰-۱۲۵.
- دولتی فرد، مریم؛ اسلامی، شهلا؛ مصطفوی، شمس‌الملوک (۱۳۹۶). «تحلیل گفتمان تصانیف عارف قزوینی در دوران مشروطیت، بر اساس روش‌شناسی فوکو» فصلنامه علمی - پژوهشی، سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶، صص ۵۲ - ۲۵
- سپانلو، محمد علی؛ اخوت، مهدی (۱۳۶۹) چهار شاعر آزادی، تهران: نگاه.
- شریف، مریم و لطف‌الله یارمحمدی (۱۳۹۲) «بررسی رباعیات خیام از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با بهره‌گیری از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی گفتمان مدار». شعر پژوهی (بوستان ادب). سال ششم، شماره ۲ (پیاپی ۲۰): ۸۲-۶۷
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). «ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت»، تهران: سخن
- صفایی، ابراهیم (۱۳۷۳) «چهل خاطره از چهل سال» تهران: علمی

عارف قزوینی، ابوالقاسم (۱۳۹۰) «مجموعه اشعار». به کوشش محمد سپانلو و مهدی اخوت، تهران: نگاه عابدی، داریوش (۱۳۹۱)، «عارف قزوینی»، چاپخانه محرر، تهران: انتشارات کمک آموزشی، چاپ سوم.

غلامعلی زاده، خسرو؛ تفکری رضایی، شجاع؛ اکبری، حمیدرضا (۱۳۹۶) «نامدهی و طبقه بندی کنشگران اجتماعی در داستان «آل» بر اساس الگوی ون لیوون»، جستارهای زبانی، زمستان ۱۳۹۶، شماره ۴۲، صص ۸۹ - ۷۱

فلاحی، محمدهادی. (۱۳۸۸). «شیوه های بازنمایی کارگزاران اجتماعی در نشریات دوره ی مشروطه از منظر گفتمان شناسی انتقادی با عنایت به مؤلفه های گفتمان مدار جامعه شناسی - معنایی». مجله تخصصی زبان شناختی و گویش های خراسان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۱، صص ۵۱-۷۳.

کسروی، سید احمد (۱۳۵۸). افسران ما. تهران: رشدیه

گودرزی، غلامرضا. (۱۳۸۶). «تجدد ناتمام روشنفکران ایران»، تهران: اختران

محمودی، محمدعلی؛ بهرامی راد، جواد (۱۳۸۹). «جامعه شناسی در شعر عارف قزوینی». نخستین همایش ملی ادبیات فارسی و پژوهش های میان رشته ای، صص ۷۰۵-۶۸۸

میلز، سارا. (۱۳۸۲). «گفتمان». ترجمه فتح محمدی. زنجان: هزاره سوم.

یارمحمدی، لطف الله. (۱۳۸۳). «گفتمان شناسی رایج و انتقادی». تهران: هرمس

یارمحمدی، لطف الله. (۱۳۸۵). «ارتباطات از منظر گفتمان شناسی انتقادی». تهران: هرمس.

یوسفیان دارانی، سودابه؛ رشیدی آشجردی، مرتضی؛ خراسانی، محبوبه (۱۳۹۴). «بررسی سبکی غزلیات اجتماعی عارف قزوینی و مقایسه با شاعران هم دوره (لایه ای ایدئولوژی)» فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴، شماره پیاپی ۲۸، صص ۴۹۰-۴۶۵.

Paltridge Brian (۲۰۰۸) Discourse Analysis An introduction Continuum international publishing group ۲۰۰۶

Van Leeuwen, T. (۱۹۹۶). The representation of social actors. In C.R. Caldas-Coulthard & M. Coulthard, (Eds), Texts and practices: Readings in critical discourse analysis, pp. ۳۲-۷۰. London: Routledge.